



The effect of metacognitive beliefs, emotional schemas, and parental bonding on sensory processing sensitivity

Behnaz Kamali, Ph.D Student

Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

AliReza Aqayosefi, Ph.D

Associate Professor of Psychology, University of Payame-Noor, Tehran, Iran.

Hassan MiezaHosseini, Ph.D

Science and Research branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to determine the effect of metacognitive-beliefs, emotional-schemas and parental-bonding in vulnerability to sensory processing sensitivity in the nonclinical population of Tehran. The research method in this study was correlational and type of path analysis studies. The statistical population consisted of all citizens over 16 years old in Tehran during winter and spring of 2018. 401 people were selected by available sampling method. After explaining the aim of the research, they were filled out Aron's Highly Sensitive Person Scale (1997), Leahy's Emotional Schemas Scale (2002), Wells's Metacognition Questionnaire (1997) and Parker's Parental Bonding Instrument (1979). Data were analyzed using SPSS-20 and LISREL. The results of path analysis indicated that the proposed model fitted well with the data. The highest path coefficients were related to emotional schemas (0.40), followed by Parental bonding (0.29) and metacognitive beliefs (0.25) respectively affecting sensory processing sensitivity. The indirect effect of emotional schemas through Parental-bonding (0.20) and metacognition through Parental-bonding (-0.13) was also significant. According to the results, metacognitive-beliefs and emotional-schemas are directly and indirectly affect the sensory processing sensitivity; therefore, metacognitive and emotional schemas therapy can be used to design the preventive programs and appropriate therapeutic interventions for this group.

Keywords: emotional schemas, metacognitive beliefs, parental bonding, sensory processing sensitivity.

تأثیر باورهای فراشناختی، طرحواره‌های هیجانی و پیوند والدینی بر آسیب‌پذیری به حساسیت‌پردازش حسی

بهناز کامالی

دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

*علیرضا آقایوسفی

دانشیار، روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

حسن میرزا حسینی

استادیار، روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین تأثیر باورهای فراشناختی، طرحواره‌های هیجانی و پیوند والدینی بر آسیب‌پذیری به حساسیت‌پردازش حسی در جمعیت غیربالینی شهر تهران بود. روش تحقیق این پژوهش، همستگی از نوع مطالعات تحلیل مسیر و جامعه آماری کلیه شهروندان بالای ۱۶ سال طی زمستان و بهار ۹۷-۹۸ بود که ۴۰۱ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از تبیین هدف پژوهش، شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌های باورهای فراشناختی (Wells & Cartwright-Hatton, 2004)، طرحواره‌های هیجانی (Leahy, ۲۰۰۲)، پیوند والدینی (Parker, Tupling & Brown, 1979) و حساسیت‌پردازش حسی (Aron & Aron, 1997) را تکمیل کردند. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS-20 و نرم‌افزار لیزرل تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد مدل پیشنهادی با داده‌ها برازش داشت. بزرگترین ضریب مسیر مربوط به طرحواره‌های هیجانی (۰/۴۰) و بعد پیوند والدینی (۰/۲۹) و باورهای فراشناختی (۰/۲۵) بر حساسیت‌پردازش حسی بودند. همچنین اثر غیرمستقیم طرحواره‌های هیجانی از طریق پیوند والدینی (۰/۲۰) و باورهای فراشناختی از طریق پیوند والدینی (-۰/۱۳) معنادار بود. طبق نتایج پژوهش باورهای فراشناختی و طرحواره‌های هیجانی مستقیم و غیرمستقیم با میانجیگری پیوند والدینی بر حساسیت‌پردازش حسی تأثیر دارند؛ لذا می‌توان از درمان‌های فراشناختی و هیجان‌محور برای طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخلات مناسب جهت ارتقاء سلامت این گروه استفاده کرد.

واژگان کلیدی: طرحواره‌های هیجانی، باورهای فراشناختی،

پیوند والدینی، حساسیت‌پردازش حسی

مقدمه

نگاه‌داشتن فرد از تکرار تجارب آسیب‌زا فعال می‌شوند. آستانه حسی پایین و سهولت برانگیختگی افراد حساس با روان رنجوری، مهار رفتاری، اضطراب و افسردگی (Liss, Timmel, Baxley, & Killings worth, 2005; Smolewska, McCabe & Woody, 2006 و پردازش عمیق‌تر -Ersner, Hershfield et al., 2007) ارتباط دارند؛ باعث افزایش استرس شده و فرد را مستعد مشکلات جسمی و اختلال در عملکرد اجتماعی می‌کند (Ahadi & Basharpour, 2010). زیباشناختی افراد حساس با گشودگی به تجربه، اضطراب و زندگی درونی غنی رابطه مستقیم دارد (Smolewska, McCabe & Woody, 2006). بنابر شواهد ذکر شده برخی افراد حساس بدون برآوردن ملاک‌های اختلال، و تنها به واسطه تشابه علائم با برخی مشکلات روانشناختی، تشخیص اختلال دریافت می‌کنند. عده‌ای هم اختلال دارند و تشخیص اشتباه دریافت می‌کنند (Aron, ۲۰۱۰). براساس دیدگاه بین‌فردی ویژگی حساسیت پردازش حسی حاصل رابطه پیچیده و منحصربه‌فرد شخص - محیط است (& Nachmias Nachmias, 1996 و سبک‌های دلبستگی واکنش‌های رفتاری به هیجان را تعدیل می‌کند Aron, Aron & Jagiellowicz, 1996 (Dean, 2012; Nachmias & Nachmias, 1996) و آرون، آرون و جاگیلویچ (Aron, Aron & Jagiellowicz, 2012) واکنش‌های هیجانی و فیزیولوژیکی را با انعطاف‌پذیری و سازگاری مرتبط می‌دانند. بلسکی و پلاس (Belsky & Pluess, ۲۰۰۹)؛ بویس و الیس (Boyce ۲۰۰۵) & Ellis, هم به این نتیجه رسیدند که کودک حساس از محیط امن کودکی بیش از دیگر کودکان سود می‌برد. آرون (۲۰۱۰) Aron, متوجه شد افراد حساس برچسب خجالتی، اضطرابی، اجتنابی، واکنش‌پذیر، روان‌رنجور، و یا کناره‌گیر دریافت می‌کند در حالی که افراد حساس با تجارب دردناک اجتماعی کودکی بیشتر مستعد افسردگی، اضطراب و خجالت می‌شوند. از طرف دیگر آرون، آرون و دیویس (Aron, Aron & Davies, 2005) و همچنین لیس، تیمل، بلسکی و کلینگ ورت (Liss, Timmel, Baxley & Killings worth, 2005) معتقدند کودک حساس اگر در محیط مناسب رشد کند؛ این

سیستم عصبی انسان هر لحظه اطلاعات زیادی از جهان بیرون و درون دریافت می‌کند؛ تشخیص و تمیز می‌دهد؛ به تکانه عصبی تبدیل، موارد غیر مرتبط را حذف، بر موارد ضروری تاکید، و در نهایت تصویری درونی تولید می‌کند. در بالاترین سطح پردازش حسی، تصاویر عصبی منتقل شده به مغز، به صورت هیجان، خاطرات و سائق نمود می‌یابند (Sadock, Sadock & Pedro, 2014). ویژگی خلقی، شخصیتی حساسیت پردازش حسی شامل حساسیت زیاد اعصاب مرکزی و پردازش عمیق محرک‌های است (Boterberg & Warreyn, 2016؛ فراوانی حساسیت پردازش حسی در زنان و مردان برابر است. این ویژگی در اقلیت افراد هر جامعه دیده می‌شود. حدود ۱۵ تا ۲۰٪ جمعیت هر جامعه را افراد حساس تشکیل می‌دهند (Aron, 2010). تمایل به واری موقعت جدید، حساسیت زیاد به محرک‌ها و درگیری در راهبردهای پردازش عمیق و آمادگی برای اقدامات مقابله‌ای منجر به خستگی و واکنش شدید هیجانی مثبت و منفی در افراد حساس می‌شود (Booth, Standage & Fox, ۲۰۱۵). این ویژگی تکاملی که براساس راهبردهای بقا و اجتناب از خطر ایجاد شده؛ توجه به ظرایف محیط تحریک‌پذیری را افزایش می‌دهد. حساسیت زیاد اختلال نیست؛ با درونگرایی، روان‌رنجوری و خجالت تفاوت دارد؛ شامل سهولت برانگیختگی به واسطه ازدحام، سروصدا، خشونت، رفتارهای پرخطر، تغییرات سریع و واکنش شدید هیجانی به آن‌ها است. آرون (Aron, 2010) واکنش شدید هیجانی را ناشی از اعتمادبه‌نفس پایین و کوک، کوچندورفر، استوارت-پاریگون، کوهن و کرنز (Cooke, Kochendorfer, Stuart) (Parrigon, Koehn & Kerns, 2019) ناشی از بدتنظیمی هیجانی، وراثت، دلبستگی و فرزندپروری ناهماهنگ با خلق می‌دانند. سبک والدینی و فرزند پروری با پیامدهای هیجانی - اجتماعی مرتبط است (Branjerdporn, Meredith, Strong, & Green, 2019). آرون (Aron, ۲۰۱۰) طرحواره هیجانی را مجموعه‌ای از خاطرات، هیجان‌ها و دفاع‌هایی برای بقا با فعالیت خودمختار می‌داند که با تجارب غیر قابل تحمل، تکراری و آسیب‌زا مرتبطاند و طی روبرو شدن با ماشه چکان‌ها، با هدف در امان

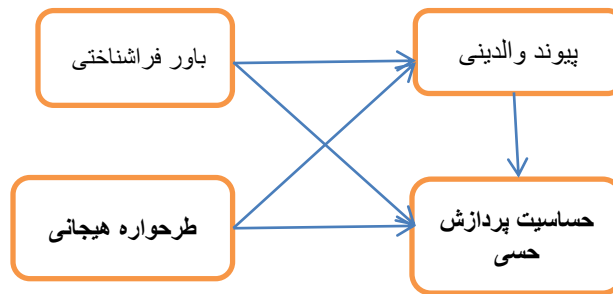
هیجان‌هایشان را ابدی و احساساتشان را غیر قابل درک بدانند و استدلال می‌شود که در روابط معنادار، تایید منعکس‌کننده مواردی از سبک دلبستگی است (Leahy, 2015). لیهی نظریه طرحواره هیجانی را مدل شناختی-اجتماعی^۱ می‌نامد زیرا هیجان را پدیده‌ای شخصی و اجتماعی می‌داند که توسط ما و دیگران تعبیر می‌شود و تغییر در تفسیرها (ما و دیگران) شدت هیجان و بد تنظیمی را تغییر می‌دهد. او هیجان را منبع افکار و تصورات و طرحواره هیجانی را باور فرد درباره نحوه واکنش به برانگیختگی هیجانی می‌داند. با ظهور هیجان، اولین گام توجه و برجسب زدن به آن، گام بعدی اجتناب شناختی و هیجانی از تجارب است (Leahy, 2015). اجتناب یا طبیعی است یا بیمارگون (Leahy, 2002). تفسیر منفی باعث ایجاد ترس و احساس ناتوانی از تحمل هیجان می‌شود و فرد برای پایان دادن به تجارب هیجانی به راهبردهای مشکل‌ساز و خطرناک، نگرانی، نشخوارفکری، سرزنش، کنترل افکار، پرخوری، نوشیدن و...، متوسل می‌شود (Leahy, 2011). افراد بسیار حساس وقایع منفی را عمیق‌تر پردازش، زمان بیشتری را صرف نشخوارفکری و خود سرزنشگری می‌کنند. در شرایط ناآشنا به دلیل ترس از انتقاد، عدم تایید یا قضاوت نادرست، از شرکت در جمع اجتناب می‌کنند (Aron, 2010). نشخوارفکری سبک شناختی است که فرد را مستعد افسردگی می‌کند (Nolen-Hoeksema, 2000). افراد از نظر باور به لزوم کنترل افکار متفاوتند (Leahy & Silberstein, Tirsch, McGinn, 2012). افراد حساس افکار و احساس دیگران را براساس نشانه‌های غیرکلامی و به واسطه بینش حاصل از تاثیر موقعیت درک می‌کنند. بیماران حساسی که هیجان‌های خود را خارج از کنترل می‌یابند و تحمل پردازش همه اطلاعات دریافتی را ندارند؛ گاهی حالتی مثل حمله پنیک را تجربه می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که با بقیه فرق دارند. Aron, (2010). به عقیده لیهی (۲۰۱۱) فرد در شرایط پذیرش ایدال، هیجان‌ها را قضاوت و کنترل نمی‌کند، اما در افراد بسیار حساس بازدارنده هیجانی مشاهده می‌شود (Aron, 2010). مدل طرحواره هیجانی، هیجان‌ها را با نیازها و

ویژگی‌ها را بیش از افراد غیر حساس نشان نمی‌دهند. باورهای فراشناختی شامل ارزیابی‌ها و تعبیر و تفسیر آگاهانه از مفهوم افکار و احساسات فراشناختی و قضاوت در مورد وضعیت‌های شناختی است؛ باورهای فراشناختی در انتخاب شیوه پاسخ‌گویی به افکار، باورها و هیجان‌ها تاثیر دارند و راهکارهای کنترل هیجان را مدیریت می‌کنند. از این رو باورهای فراشناختی می‌توانند با اختلالات هیجانی مرتبط باشند. در مدل فراشناختی، فراشناخت‌ها مسئول سلامت و مشکلات ذهن هستند. چگونگی تفکر فرد هیجان‌ها و نحوه کنترل آن‌ها را تعیین می‌کند؛ نه موضوعی که به آن فکر می‌کنیم (Wells, 2009). دمانجیو و لیساکر (Dimaggio & Lysaker, 2010) فراشناخت را توانایی ادغام هیجان‌ها و رویدادهای ذهنی با بیانات چهره، حالات بدنی و به کارگیری حالات ذهنی در حل مسئله و روابط بین‌فردی می‌دانند. پردازش‌های فراشناختی با ویژگی‌های درگیر در واکنش هیجانی ارتباط دارند (Dragan, Dragan, Kononowicz & Wells, 2012) و باور منفی درباره تجارب، واکنش هیجانی را فعال می‌کند (Spada et al, 2012 ; Leahy, Wupperman, Edwards, Shivaji & Molina, 2018). بر حفظ، اصلاح و توقف افکار ناکارآمد (عوامل اختلال روانی) تاثیر دارد (Fisher & Wells, 2008). بین باورهای فراشناختی و استراتژی‌های ناکارآمد رابطه معنادار موجود دارد (Mohammadkhani, Hasani, Akbari, & Yazdan Panah, 2020). کلینز و رید (Collins & Read, ۱۹۹۰) فرایندهای فراشناختی با سبک دلبستگی مرتبط می‌داند و آلایمو و کاسکیو (Alaimo & Cascio, 2015) هم معتقدند دلبستگی در بالغین با بد تنظیمی هیجانی رابطه منفی دارد. مدل طرحواره هیجانی بر مبنای شیوه تجربه، تفسیر، ارزیابی و پردازش هیجان‌های اولیه و ثانویه و بر اساس مدل فراشناختی ولز از هیجان طراحی شده است. طرحواره تایید جزء محوری طرحواره‌های هیجانی، آسیب روانی و روابط بین فردی است و تایید کم بهترین پیش بین آسیب روانی است. کسانی که تصور می‌کنند مورد تایید واقع شده اند کمتر احتمال دارد دیگران را سرزنش کنند،

¹ social- cognitive model

سهولت‌برانگیختگی را نمایان می‌کند (John & Gross, 2004). کوک و همکاران (Cooke et al., 2019) رابطه دلبستگی با تنظیم هیجان؛ الایمو و کاسکیو (Alaimo & Cascio, 2015) رابطه دلبستگی با اختلالات هیجانی و عملکردهای فراشناختی؛ احدی و بشرپور (Ahadi & Basharpour, 2010) رابطه حساسیت‌پردازش حسی با سلامت روان؛ آرون و آرون (Aron & Aron, 1997) رابطه حساسیت با مشکلات هیجانی؛ بوت، استندیج و فوکس (Booth, Standage & Fox, 2015) رابطه حساسیت و تجارب کودکی با رضایت از زندگی؛ جاگیلویچ، آرون و آرون (Jagiellowicz, Aron & Aron, 2016) رابطه ویژگی‌های خلقی افراد حساس با واکنش‌پذیری هیجانی؛ صدوقی و همکاران (Sadoughi, Vafaei, & Rasoulzadeh Tabatabaei, 2007) حساسیت‌پردازش حسی با شیوه‌های فرزندپروری و شاخص‌های آسیب روانشناختی و لیبی و همکاران (Leahy et al., 2018) تاثیر فراشناخت و طرحواره هیجانی را در اختلالات روانشناختی بررسی کردند. اما هنوز تاثیر باورهای فراشناختی، طرحواره‌های هیجانی و پیوند والدینی بر حساسیت‌پردازش حسی بررسی نشده است و از میزان تاثیر باورهای فراشناختی، طرحواره هیجانی و پیوند والدینی بر حساسیت‌پردازش حسی اطلاع نداریم. کشف این تاثیرات، در شناسایی، پیش‌بینی و درک عوامل زمینه‌ساز، الگوهای واکنش هیجانی شدید و رفتارهای ناکارآمد افراد حساس ضرورت دارد. یافته‌ها به متخصصان در سنجش و تشخیص دقیق‌تر افراد بسیار حساس، تشخیص افتراقی، فرمول‌بندی و برنامه‌ریزی طرح‌درمان (تعیین اهداف درمانی، ساختار جلسات، مداخلات، درمان‌های همراه و موانع درمانی) کمک می‌کند. علاوه بر این می‌توان با آموزش مهارت‌های لازم و شیوه‌های کارآمدتر فرزندپروری متناسب با کودکان حساس از مشکلات آتی این کودکان پیشگیری کرد. بنابراین هدف پژوهش حاضر ارائه مدل ساختاری از میزان تاثیر باورهای فراشناختی، طرحواره‌های هیجانی و پیوند والدینی بر آسیب‌پذیری نسبت به ویژگی تکاملی حساسیت‌پردازش حسی است.

ارزش‌ها مرتبط می‌داند و بر اهمیت تجارب اولیه تربیت هیجانی در سیستم دلبستگی تاکید دارد (Leahy, 2015). اوها و سمپسون (Simpson, 2019) معتقدند نقش تحولی سیستم دلبستگی در طول عمر بر شناخت، هیجان و رفتار اثر می‌گذارد، کوک و همکاران (Cooke et al., 2019) و لیبی (Leahy, 2011) معتقدند دلبستگی در تنظیم و درک هیجان نقش دارد. طرحواره‌های هیجانی نسبت به تغییر مقاومت و بر سلامت فکر و جسم اثر دارند (Aron, 2010). کیفیت دلبستگی بر ارائه پاسخ مناسب به محرک‌های هیجانی، بخصوص مثبت (Jagiellowicz, Aron & Aron, 2016) تنظیم هیجان و دفاع‌های روانشناختی در طول عمر تاثیر دارد. نتیجه مثبت یا منفی (بازداری رفتاری، حساسیت به محرک، پردازش عمیق و واکنش هیجانی) در افراد حساس محیط وابسته است (Aron & Jagiellowicz, 2012) توانایی‌های کودک حساس در برقراری و حفظ رابطه نزدیک با مراقب و حل مشکلات ناشی از خلق نقش دارد (Aron, Aron & Davies, 2005) مراقبت (پذیرش و طرد؛ همکاری و مداخله) و کنترل روانی (تشویق به استقلال) در نظریه پیوند والدینی پارکر (Parker, Tupling & Brown, 1979) چهار بعد رفتار مادرانه انثورت (Ainsworth, Blehar, Waters, & Wall, 1978) را پوشش می‌دهد. دلبستگی اولیه پیش‌بین عملکرد اجتماعی در اواسط کودکی و اوایل بزرگسالی است؛ تجارب اولیه با مراقب الگوی پاسخ‌دهی به هیجان‌ها در سال‌های بعد محسوب می‌شود (Hazan, & Shaver, 1987). حساسیت‌پردازش حسی در تعامل با شیوه‌های فرزندپروری نامناسب، فرد را مستعد آسیب روانشناختی می‌کند (Sadoughi, Vafaei, & Rasoulzadeh Tabatabaei, 2007) و حمایت افراطی والدین در تعامل با مراقبت ناکافی، با افسردگی ارتباط دارد (Blatt & Homann, 1992). شیوه فرزندپروری (مراقبت ناکافی و حمایت افراطی) بر حساسیت‌پردازش حسی تاثیر دارد و پیش‌بین عواطف منفی، شرم و خجالت است (Aron, Aron & Davies, 2005). پردازش عمیق اطلاعات هیجانی، تنظیم هیجان را مختل (Ersner-Hershfield et al., 2007) و نشانه‌های جسمی و



شکل ۱. مدل پیشنهادی برای حساسیت پردازش حسی

زمستان و بهار ۹۸-۱۳۹۷ بود. حجم نمونه بر اساس قاعده بنتلر و چو (Bentler & Chou, 1987) برآورد شد که حداقل حجم نمونه را در مطالعات مدل‌یابی معادلات ساختاری به ازای هر برآورد پارامتر (شامل عبارات‌های خطا و ضرایب مسیر) دست کم ۵ مورد پیشنهاد کرده است. به‌علاوه بسیاری از محققان تعداد نمونه بالای ۲۰۰ نفر را قابل قبول می‌دانند (Mohseni & Esfadani, 2014). نمونه‌های این پژوهش به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای باورهای فراشناختی؛ طرحواره هیجانی؛ پیوند والدینی و شخص با حساسیت پردازش حسی بالا در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. از بین ۴۹۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده و پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، در نهایت اطلاعات مربوط به ۴۰۱ نفر (۲۸۹ زن و ۱۱۲ مرد) که پاسخ کامل داده بودند در پژوهش استفاده شد.

ابزارسنجش

پرسشنامه شخص بسیار حساس (Highly Sensitive Person Scale) (HSPS): این پرسشنامه ۲۵ سوالی واکنش‌پذیری روانشناختی نسبت به محرک را می‌سنجد و توسط آرون و آرون (Aron & Aron, ۱۹۹۷) ساخته شده است. تفاوت‌های فردی حساسیت پردازش حسی را اندازه‌گیری می‌کند برخی با شدت بیشتری به محرک‌های محیطی واکنش نشان می‌دهند. نمره‌گذاری در این مقیاس بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (هرگز (۱) تا همیشه (۵)) محاسبه می‌شود. اسمولسکا، مک کاب و وودی (Smolewska, McCabe & Woody, ۲۰۰۶) برای این مقیاس سه خرده مقیاس سهولت برانگیختگی؛ حساسیت زیباشناختی و آستانه حسی پایین تعیین کردند.

بر اساس مدل پیشنهادی، در پژوهش حاضر به بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته شد.

- ۱- باورهای فراشناختی به‌طور مستقیم بر پیوند والدینی و حساسیت پردازش حسی تاثیر می‌گذارند.
- ۲- طرحواره هیجانی به‌طور مستقیم بر پیوند والدینی و حساسیت پردازش حسی تاثیر می‌گذارند.
- ۳- دلبستگی به‌طور مستقیم بر حساسیت پردازش حسی تاثیر می‌گذارد.
- ۴- باورهای فراشناختی به‌صورت غیر مستقیم از طریق پیوند والدینی با حساسیت پردازش حسی رابطه دارد.
- ۵- طرحواره هیجانی به‌صورت غیر مستقیم از طریق پیوند والدینی با حساسیت پردازش حسی رابطه دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش مطالعه در این پژوهش، همبستگی از نوع مطالعات تحلیل مسیر است. تحلیل مسیر برای بررسی ارتباط و وابستگی بین متغیرها به کار می‌رود که در آن از انواع تکنیک‌های رگرسیون چندگانه، تحلیل عاملی، همبستگی چند متغیره و تحلیل‌های واریانس و کوواریانس چندگانه استفاده می‌شود. از آنجا که از روش‌های مبتنی بر رگرسیون چندگانه است، نوعی از مدل معادلات ساختاری محسوب می‌شود. تحلیل مسیر تعمیمی از رگرسیون معمولی است که اثر مستقیم، اثر غیر مستقیم و اثرکل هر یک از متغیرهای مستقل را روی متغیرهای وابسته نشان می‌دهد و روابط و همبستگی مشاهده‌شده را تفسیر می‌کند (Ghanbari, Molaei Yasavoli, Molaei Yasavoli & khajavi, 2019). جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان شهروند شهر تهران طی

همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با پرسشنامه نگرانی ایالت پنسلوانیا و اضطراب‌خصلتی در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۲۵ گزارش شد. اعتبار بازآزمایی مقیاس در فاصله چهار هفته ۰/۷۵ و اعتبار خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۸۷ گزارش شد (Wells & Cartwright-Hatton, 2004) نسخه فارسی این پرسشنامه را شیرین‌زاده دستگیری (Shirinzadeh Dastgiri, Goodarzi, Shirinzadeh Dastgiri, Goodarzi, Rahimi & Naziri, 2009) همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با کل مقیاس بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۷ و همبستگی بین عامل‌ها بین ۰/۲۶ تا ۰/۶۲ گزارش شد. بنابراین عامل‌ها ضمن استقلال از یکدیگر با کل مقیاس و با یکدیگر همبستگی مناسب دارند. ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۹۱ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۷ و پایایی بازآزمایی برای نمره کل بعد از دوره ۳۰ روزه را برای کل مقیاس ۰/۷۳ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۵۹ تا ۰/۸۳ گزارش کرد (Shirinzadeh Dastgiri, Goodarzi, Rahimi & Naziri, 2009). ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در این پژوهش ۰/۷۹ به دست آمد. دو نمونه از سوالات این پرسشنامه به این شرح است: از خرده‌مقیاس باورهای مثبت درباره نگرانی "اگر نگران باشم برای مقابله با حوادث احتمالی آینده آماده‌تر می‌شوم." و از خرده‌مقیاس باورهای منفی درباره کنترل‌ناپذیری و خطرآفرینی نگرانی "وقتی افکار نگران‌کننده شروع می‌شود نمی‌توانم جلو آن‌ها را بگیرم."

پرسشنامه طرحواره‌های هیجانی (Leahy Emotional

Schemas Scale) (LESS): این پرسشنامه ۵۰ سوالی خود گزارشی توسط لیهی (Leahy, ۲۰۰۲) بر مبنای طرحواره هیجانی ساخته شد که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۴) نمره‌گذاری می‌شود. لیهی (Leahy, 2002) روایی این مقیاس را با استفاده از تحلیل همبستگی گویه‌ها با یکدیگر و همبستگی با پرسشنامه چند محوری بالینی میلون، ویراست سوم (MCMI-III; Millon, Davis & Millon, 1997) اضطراب بک (BAI) و افسردگی بک (BDI) و پرسشنامه باورهای فراشناختی (MCQ; Cartwright-Hatton & Wells

ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در دامنه ۰/۶۴ تا ۰/۸۷ گزارش شده است و روایی آن از طریق همبستگی با پنج عامل شخصیت (Big five: John, Donahue, & Kentle, 1992) ۰/۵۴ به دست آمده است (Aron & Aron, 1997). صدوقی (Sadooghi, Aguilar-Vafaie & Rassoulzadeh Tabatabaei, 2008) نسخه فارسی این پرسشنامه را هنجاریابی کرد. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۵ و زیر مقیاس‌های سهولت برانگیختگی؛ حساسیت زیباشناختی و آستانه حسی پایین را به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۹ و ۰/۷۰ گزارش کرد. همچنین ضریب همبستگی حساسیت پردازش حسی با اضطراب-حالت اسپیلبرگر (Spielberger., Gorusuch, & Lushene, 1970) (STAI: Beck, & Steer, 1987) و افسردگی بک (BDI) به ترتیب ۰/۳۱ و ۰/۶۳ گزارش کرد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۴ به دست آمد. دو نمونه از سوال‌های این پرسشنامه به این شرح است: از خرده‌مقیاس حساسیت زیباشناختی "به نظرم، من متوجه ظرافت و زیبایی موجود در محیط خود هستم."، خرده‌مقیاس آستانه حسی پایین "به اعتقاد من، باید از نگاه کردن به فیلم‌های خشن پرهیز کرد."

پرسشنامه فراشناخت (Metacognition Questionary

(MCQ-30): این پرسشنامه ۳۰ سوالی که پنج بعد باورهای افراد درباره تفکرشان را می‌سنجد؛ توسط ولز و کارترایت-هاتون (Wells & Cartwright-Hatton, ۲۰۰۴) ساخته شد. نمره‌گذاری در این مقیاس بر اساس طیف چهار درجه‌ای لیکرت (موافق نیستم (۱) تا کاملاً موافقم (۴)) محاسبه می‌شود. این مقیاس دارای پنج خرده‌مقیاس، اعتماد شناختی^۱، باورهای مثبت درباره نگرانی^۲، خودآگاهی شناختی^۳، باورهای منفی درباره کنترل‌ناپذیری و خطرآفرینی نگرانی^۴ و نیاز به کنترل افکار^۵ است. برای بررسی روایی، این مقیاس روی ۱۸۲ دانشجو اجرا شد. همسانی درونی کل مقیاس حدود ۰/۹۳ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۱، ۰/۷۲ گزارش شد. همبستگی کل مقیاس با پرسشنامه نگرانی ایالت پنسلوانیا و اضطراب‌خصلتی به ترتیب ۰/۵۴ و ۰/۵۳ و

⁴ negative beliefs about uncontrollability of thoughts and danger

⁵ beliefs about the need to control thoughts

¹ cognitive confidence

² positive beliefs about worry

³ cognitive self- consciousness

(Brown, 1979) ساخته شد. نمره‌گذاری در این مقیاس بر اساس طیف چهار درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد (۰) تا خیلی کم (۳)) محاسبه می‌شود و دو خرده مقیاس مراقبت و حمایت افراطی دارد. پارکر، تاپلینگ و براون (Parker, Tupling & Brown, 1979) نتایج قابل قبولی از لحاظ روایی و پایایی برای این پرسشنامه گزارش کرد. گول کاپسی و کوکوکر (Kucuker, 2006) (Kapci & Gul) روایی این پرسشنامه از طریق همبستگی با سیاهه شیوه فرزندپروری (PSI; Lamborn et al., 1991) و پایایی آن را ۰/۷۰ و ۰/۹۱ گزارش کردند. در ایران بشارت (Besharat, 2010) روایی این پرسشنامه را بین ۰/۷۷ تا ۰/۷۹ و پایایی آن را بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۱ گزارش کرد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ کل ۰/۷۳۷ محاسبه شده است. دو نمونه از سوال‌های این پرسشنامه به این شرح است: از خرده‌مقیاس رابطه صمیمی "با لحن گرم با من صحبت می‌کرد." و از خرده مقیاس تلاش برای وابستگی "نمی‌خواست من بزرگ شوم." و از خرده مقیاس بی‌تفاوتی "مرا تحسین نمی‌کرد."

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

به منظور اجرای بخش میدانی پژوهش، پس از کسب مجوز از دانشگاه، رایزنی‌های لازم با شهرداری شهر تهران صورت گرفت. در برخی تجمع‌های شهروندی در خانه‌های سلامت مناطق مختلف شهرداری حاضر شدیم و ضمن تفهیم اهداف پژوهش، مراتب رازداری و محرمانه ماندن پاسخ‌ها، حق خروج از تحقیق و اختیاری بودن ذکر نام، پرسشنامه‌های خودگزارشی بین شرکت‌کنندگان توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شدند. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها عبارت بودند از: ۱- حداقل ۱۶ سال سن داشته باشند ۲- تحصیلات بیش از متوسطه باشد ۳- شهروند شهر تهران باشند. پس از جمع‌آوری، پرسشنامه‌های ناقص کنار گذاشته شد. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS-20 و نرم افزار لیزرل استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج نشان داد که از ۴۰۱ نفر نمونه ۲۸۹ زن (۷۲٪)، ۱۱۲ مرد (۲۸٪) با دامنه سنی ۱۷ تا ۶۴ سال و میانگین سنی ۳۸/۲۵ سال

(1997) روی ۵۲ بیمار روان‌پزشکی بررسی کرد. بر اساس نتایج، اکثر ابعاد ۱۴ گانه این مقیاس با اضطراب و افسردگی بک همبستگی معنادار دارند... نسخه فارسی این مقیاس را خانزاده، ادیسی، محمدخانی و سعیدیان (Khanzadeh, Edrisi, & Mohamadkhani & saedian, 2013) تهیه کردند. آن‌ها از طریق تحلیل عاملی اکتشافی نشان دادند که از ۱۶ عامل استخراج شده از این مقیاس، ۱۲ عامل با طرحواره‌های هیجانی لیهی شامل نشخوارفکری، احساس‌گناه، ابراز احساسات، کنترل، تاییدطلبی، قابل درک‌بودن، سرزنش، تلاش برای منطقی‌بودن، دیدگاه ساده‌انگارانه نسبت به هیجان‌ها، ارزش‌های والاتر، پذیرش احساسات و توافق هماهنگ است. ۳ عامل به خاطر بارگذاری تنها یک گویه حذف و یک عامل تحت عنوان خودآگاهی هیجانی به مقیاس اضافه شد. خانزاده و همکاران (Khanzadeh et al., 2013) برای بررسی روایی سازه این مقیاس، همبستگی هر گویه با نمره کل زیرمقیاس مربوط به آن را بین ۰/۵۹ تا ۰/۹۲، و همبستگی هر گویه با نمره کل مقیاس را بین ۰/۱۲ تا ۰/۵۲ به دست آوردند که حاکی از روایی مطلوب است. اعتبار این مقیاس از طریق بازآزمایی در فاصله دو هفته برای کل مقیاس ۰/۷۸ و برای زیر مقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۱ به دست آمد؛ همچنین ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای زیر مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۵۹ تا ۰/۷۳ بود (Shafiee, Rasooli, & Dehghan, 2018). خانزاده و همکاران (Khanzadeh et al., 2013) پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۰ به دست آمد. دو نمونه از سوال‌های این پرسشنامه به این شرح است: از خرده مقیاس سرزنش "اگر دیگران تغییر کنند احساس بهتری دارم" و از خرده مقیاس ارزش‌های "هنگام غمگینی، سراغ ارزش‌هایم می‌روم".

پرسشنامه پیوند والدینی پارکر (Parental Bonding Instrument) (PBI): این پرسشنامه بر اساس نظریه دلبستگی برای ارزیابی الگوهای پیوند والد-فرزند و برداشت فرد از کنترل و توجه والدین حداکثر تا ۱۶ سالگی است. ۲۵ سوال دارد و توسط پارکر، تاپلینگ و بران (Parker, Tupling &

بودند؛ که از این میان ۲۶۵ متاهل (۶۶/۱٪)، ۱۳۶ مجرد (۳۳/۹٪) با وضعیت تحصیلی ۱۹ دکتری (۴/۷٪)؛ ۷۱ کارشناسی ارشد (۱۷/۷٪)؛ ۱۴۸ کارشناسی (۳۶/۹٪)؛ ۲۶ کاردانی (۶/۴٪)؛ ۱۳۷ دیپلم و زیر دیپلم (۳۴/۱٪) بودند.

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن متغیرهای پژوهش را نشان داد. در پاسخ به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه آیا مدل پیشنهادی با داده‌ها برازش دارد؟ شاخص‌های نیکویی برازش حاصل از تحلیل بررسی شد.

جدول ۱- متغیرهای برازش

شاخص‌های برازش	RMR	SRMR	GFI	NFI	NNFI	IFI	CFI	RMSEA
مقدار به دست آمده	0/035	0/058	0/98	0/99	0/95	0/93	0/93	0/007

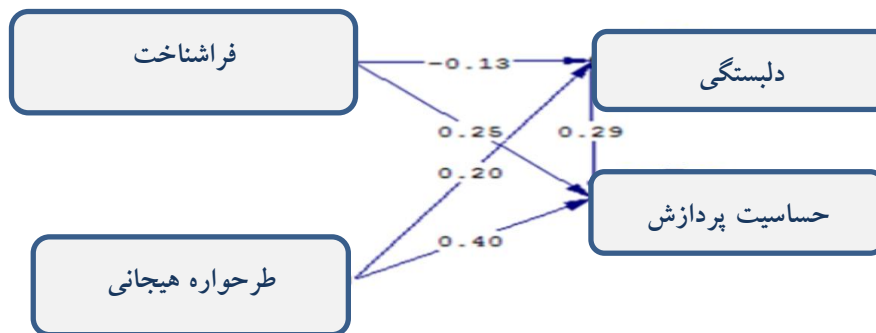
بر اساس جدول ۱، داده‌های پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق، برازش دارد. مقادیر NFI و CFI در این پژوهش به ترتیب برابر ۰/۹۹ و ۰/۹۳ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل با داده‌ها برازش مناسب دارد. مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA پژوهش حاضر ۰/۰۰۷ به دست آمد که نشان دهنده برازش مناسب مدل با داده‌ها است. $X^2/df = ۳/۵۵$ بیانگر اعتبار سازه است.

برای تعیین تاثیر متغیرهای برونزاد باورهای فراشناختی و طرحواره هیجانی و همچنین دلبستگی به عنوان متغیر میانجی بر متغیر درونزاد حساسیت‌پردازش حسی از روش تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج آن در شکل شماره ۲، ذکر شده است.

نتایج مدل نشان می‌دهد که بزرگترین ضریب مسیر موثر بر حساسیت‌پردازش حسی مربوط به طرحواره هیجانی است (۰/۴۰). ضرایب دلبستگی (۰/۲۹) و فراشناخت (۰/۲۶) بر حساسیت‌پردازش حسی نیز معنادار است.

بر اساس جدول ۱، داده‌های پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق، برازش دارد. مقادیر NFI و CFI در این پژوهش به ترتیب برابر ۰/۹۹ و ۰/۹۳ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل با داده‌ها برازش مناسب دارد. مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA پژوهش حاضر ۰/۰۰۷ به دست آمد که نشان دهنده برازش مناسب مدل با داده‌ها است. $X^2/df = ۳/۵۵$ بیانگر اعتبار سازه است.

برای تعیین تاثیر متغیرهای برونزاد باورهای فراشناختی و



شکل ۲- مدل نهایی ساختاری برای حساسیت‌پردازش حسی

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، اثر مستقیم، اثر غیر مستقیم و اثر کل، متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب مسیر اثرات سازه‌ها و ضرایب معناداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	t	sig
حساسیت پردازش حسی	طرحواره هیجانی	۰/۴۰	۰/۴۹	۰/۸۴	۴/۰۵	۰/۰۰۱
	فراشناخت	۰/۲۵	۰/۱۵	۰/۴۰	۲/۵۴	۰/۰۰۱
پیوند والدینی		۰/۲۹		۰/۲۹	۴/۹۳	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۲ مقدار t همه متغیرها برونزاد بیش از ۱/۹۶ محاسبه شده، و متغیرهای طرحواره‌های هیجانی، باورهای فراشناختی و پیوند والدینی بر حساسیت پردازش حسی، تاثیر دارند (لذا با احتمال ۹۹/۹ درصد شواهدی برای تایید فرض صفر به دست نیامد). و متغیرهای برونزاد بر حساسیت پردازش حسی اثر دارند.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تعیین تاثیر باورهای فراشناختی، طرحواره‌های هیجانی و پیوند والدینی بر حساسیت پردازش حسی در قالب یک مدل بود. با توجه به معناداری ضرایب، مدل ساختاری و فرضیه‌های پژوهش مورد تایید قرار گرفت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد باورهای فراشناختی و طرحواره‌های هیجانی مستقیم و همچنین غیرمستقیم از طریق تعامل با پیوند والدینی بر حساسیت پردازش حسی اثر دارند و می‌توانند آسیب روانشناختی را پیش‌بینی کنند. نتایج پژوهش با ناچمیاس و ناچمیاس (1996)، (Nachmias & Nachmias) که بر اساس دیدگاه بین‌فردی حساسیت پردازش حسی را حاصل رابطه پیچیده و منحصر به فرد شخص- محیط می‌داند؛ آرون (Aron, 2010) که معتقد است افراد حساس به واسطه شباهت علائم تشخیص اختلال دریافت می‌کنند؛ ولز (Wells, 2009) که فراشناخت را مسئول سلامت و مشکلات روانشناختی می‌داند و لیهی (Leahy, 2015) که نظریه طرحواره‌های هیجانی را مدلی شناختی-هیجانی می‌داند همخوانی دارد. نتایج فرضیه اول را تایید می‌کند. باورهای فراشناختی بر پیوند والدینی و آسیب‌پذیری به حساسیت پردازش حسی اثر دارد. هر چه فرایندهای فراشناختی ناکارآمد بیشتر باشد، پیوند والدینی مشکل‌دارتر و آسیب روانی بیشتر می‌شود. والدینی که ویژگی‌های کودک حساس را عجیب و متفاوت از کودکان عادی می‌یابند و به او برچسب کودک دشوار می‌زنند، نمی‌توانند متناسب با خلق کودک با او رفتار کنند. در نتیجه کودک حساس در محیط نامساعد رشد می‌کند، حمایت افراطی یا طرد و بی‌تفاوتی والدین و مراقبان اولیه، در پرورش دلبستگی ایمن و تفسیر مناسب از خود، دیگران و دنیا تداخل ایجاد می‌کند. این الگو در افراد حساس تا اوایل بزرگسالی

ثابت باقی می‌ماند. بر انتخاب شیوه درست پاسخ‌گویی به افکار، باورها تاثیر می‌گذارد و فرد حساس دچار اختلالات هیجانی می‌شود و این با یافته‌های کلینز و رید (1990) (Collins & Read) که فرایندهای فراشناختی را با دلبستگی مرتبط می‌داند، و (Dragan, Dragan, Kononowicz & Wells, 2012) و محمدخانی، حسنی، اکبری و یزدان پناه (Mohammadkhani, Hasani, Akbari, & Yazdan Panah, 2020) که بین باورهای فراشناختی و استراتژی‌های ناکارآمد رابطه معنادار یافتند؛ همسو است. باورهای فراشناختی آسیب‌پذیری به حساسیت پردازش حسی را افزایش داده و فرد حساس واکنش شدید هیجانی و رفتاری از خود نشان می‌دهد. توانایی ادغام هیجان‌ها و حل مشکلات بین‌فردی نیازمند پردازش‌های فراشناختی است و افراد حساس در روابط بین‌فردی و توقف افکار ناکارآمد (عوامل اختلال روانی) مشکل دارند. و این با یافته‌های فیشر و ولز (Fisher & Wells, 2008) و دماجیو و لیساکر (Dimaggio & Lysaker, 2010) که توانایی‌های فراشناختی را در روابط بین‌فردی دخیل می‌دانند، همسو است. نتایج نشان داد باورهای فراشناختی هم مانند طرحواره‌های هیجانی بر حساسیت پردازش حسی اثر دارند. این نتیجه با نتایج اسپادا (Spada et al., 2012) که باورهای فراشناختی را از عوامل زمینه‌ساز اختلال روانی نشان داد، همسو است. بر اساس نتایج فرضیه دوم تایید می‌شود و طرحواره‌های هیجانی بر پیوند والدینی و حساسیت پردازش حسی تاثیر می‌گذارند. تجارب اولیه هیجانی و نحوه تفسیر هیجان بر پیوند والدینی و پرورش سبک دلبستگی تاثیر می‌گذارد. طرحواره تایید مراقب که اساس اکثر طرحواره‌ها و مرتبط با نیازها و ارزش‌ها است به واسطه طرد یا حمایت افراطی والدین و مراقبان اولیه ناآگاه از خلق کودک آسیب می‌بیند و نیازهای برآورده نشده کودک را مستعد آسیب روانشناختی و واکنش‌های رفتاری او را به هیجان‌های تجربه شده تعدیل می‌کند. تاثیر طرحواره‌ها بر پیوند والدینی در این پژوهش تاییدی بر مدل شناختی- اجتماعی لیهی (Leahy, 2015) از هیجان است. طرحواره‌های هیجانی آسیب‌پذیری به حساسیت پردازش حسی و واکنش‌های شدید هیجانی را افزایش می‌دهد. سهولت برانگیختگی، مهار رفتاری،

Green, 2019) (Green, 2019) نیز همسو است. نتایج فرضیه پنجم را تایید می‌کند و تاثیر طرحواره هیجانی با واسطه‌گری پیوند والدینی بر حساسیت‌پردازش حسی افزایش می‌یابد. پیوند والدینی در تعامل با طرحواره هیجانی آسیب‌پذیری به حساسیت‌پردازش حسی را تعدیل و این صفت خلقی- تکاملی را تشدید می‌کند. این نتیجه با یافته‌های (Homann, 1992) (Blatt & Homann, 1992) که حمایت افراطی و مراقبت ناکافی والدین را عامل اختلال روانی می‌داند و همچنین (John & Gross, 2004; Ersner- Hershfield et al., 2007) (al., 2007) که پردازش عمیق اطلاعات هیجانی را عامل اختلال هیجانی می‌داند، همسو است. اغلب افراد حساس واکنش‌های شدید هیجانی از خود نشان می‌دهند که وراثت، دلبستگی و فرزندپروری ناهماهنگ با خلق آن را تشدید می‌کند و این با نتایج ناچمیاس (Nachmias & Nachmias, 1996) که سبک دلبستگی را در واکنش‌های رفتاری دخیل می‌داند و بنجردپورن و همکاران (Branjerdporn, Meredith, Strong, Green, 2019) & Green, 2019) که سبک والدینی و فرزندپروری را با پیامدهای هیجانی- اجتماعی مرتبط می‌داند، هازن و شیور (Blatt & Hazan & Shaver, 1987) ، بلات و هومن (Blatt & Homann, 1992) و آرون و آرون و دیویس (Aron, Aron & Davies, 2005) (Davies, 2005) همسو است. افراد حساس در تعامل با شیوه‌های فرزندپروری نامناسب دچار اختلالات روانی (از جمله نشخوارفکری و اضطراب می‌شوند) و این با یافته‌های صدوقی (Sadoughi, Vafaei, & Rasoulzadeh Tabatabaei, 2007) همسو است. به طور کلی با توجه به نظریه‌های دلبستگی، باورهای فراشناختی و طرحواره‌های هیجانی در حوزه آسیب‌شناسی روانی از یک سو و پیچیدگی و محیط- وابسته بودن برون‌داد ویژگی تکاملی حساسیت‌پردازش حسی از سوی دیگر می‌توان نتیجه گرفت تجارب اولیه کودک- مراقب در شکل‌گیری الگوهای سالم فراشناختی و تفسیر درست هیجان‌ها اهمیت دارد. این الگوهای اولیه عملکرد اجتماعی فرد تا اوایل بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند و زمینه‌ساز رشد توانایی‌های هیجانی یا آسیب‌های روانی او می‌شوند. پیوند والدینی در طول عمر بر شناخت، هیجان و واکنش‌های رفتاری به هیجان تاثیر می‌گذارد و حساسیت‌پردازش اطلاعات

اضطراب و افسردگی افراد حساس ناشی از فعال شدن طرحواره‌های هیجانی برای در امان نگاه داشتن فرد از آسیب است و این با مدل طرحواره‌های هیجانی لیهی (Leahy, 2002) (Aron, 2010) (Aron, 2010) همسو است. افراد حساس به واسطه پردازش عمیق‌تر هیجان‌های مثبت و منفی به محرک‌ها محیطی حساس‌تر و تحریک‌پذیرترند و واکنش شدیدتر و اقدامات مقابله‌ای بیشتری از خود نشان می‌دهند و این با یافته‌های ارسنر- هرشفیلد و همکاران (Ersner-Hershfield et al., 2007) همسو است. براساس نتایج فرضیه سوم تایید می‌شود و الگوی پیوند والدینی بر آسیب‌پذیری فرد نسبت به حساسیت‌پردازش حسی تاثیر می‌گذارد. کودک حساس همانگونه که از محیط امن کودکی بیشتر سود می‌برد؛ در محیط نامناسب و با تجارب دردناک کودکی هم بیشتر آسیب می‌بیند و مستعد اختلالات روانشناختی می‌شود. تاثیر پیوند والدینی بر آسیب‌پذیری فرد نسبت به حساسیت‌پردازش حسی با یافته‌های آرون (Aron, Aron & Davies, 2005) و بلسکی و پلس (Boyce & Ellis, Belsky & Pluess, 2009)؛ بویس و الیس (Boyce & Ellis, 2005) همسو است. فرزندپروری نامناسب (حمایت افراطی و مراقبت ناکافی) پیش‌بین عواطف منفی در فرد حساس است که در طول عمر بر شناخت، هیجان و رفتار اثر گذاشته است و این یافته با نتایج اوها و سمپسون (Ohad & Simpson, 2019) همسو است. نتایج پژوهش، فرضیه چهارم را نیز تایید می‌کند و میاجیگری پیوند والدینی تاثیر باورهای فراشناختی بر حساسیت‌پردازش حسی را تعدیل و آن را افزایش می‌دهد. فرایندهای فراشناختی با سبک دلبستگی مرتبطاند و باورهای فراشناختی در افرادی که دلبستگی ایمن ندارند عامل اختلال روانی می‌شود و این با نتایج کلینز و رید (Collins & Read, 1990) (Collins & Read, 1990) که فرایندهای فراشناختی را با دلبستگی مرتبط می‌داند و آلامو و کاسکیو (Alaimo & Cascio, 2015) (Alaimo & Cascio, 2015) که معتقد است دلبستگی در بالغین با بدتنظیمی هیجانی رابطه منفی دارد، همسو است. فرزندپروری نامناسب منجر به شکل‌گیری باورهای فراشناختی منفی تاثیرگذار بر مدیریت رفتار، پیامدهای هیجانی- اجتماعی و ناسازگاری فرد می‌شود. تعدیل باورهای فراشناختی توسط پیوند والدینی در این پژوهش با یافته‌های آرون (Aron, 2010) (Aron, 2010) و بنجردپورن و همکاران

منابع

- Ahadi, B., & Basharpour, S., (2010). Relationship between sensory processing sensitivity, personality dimensions and mental health. *Journal of Applied Sciences*, 10(7), 570-574. (Persian)
- Ainsworth, M. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). Patterns of attachment: A psychological study of the Strange Situation. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Alaimo, S. M., & Cascio, M. I. (2015). Adult attachment, emotional dysregulation and metacognitive functions in patients with personality disorders. *Psychology*, 6(14), 1940-1950.
- Aron, E. N., & Aron, A. (1997). Sensory processing sensitivity and its relation to introversion and emotionality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73(2), 345-368.
- Aron, E., Aron, A., & Davies, K. M. (2005). Adult shyness: The interaction of temperamental sensitivity and an adverse childhood environment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(2), 181-197.
- Aron, E. (2010). *Psychotherapy and the highly sensitive person*. Routledge.
- Aron, E., Aron, A., & Jagiellowicz, J. (2012). Sensory processing sensitivity: A review in the light of the evolution of biological responsivity. *Personality and Social Psychology Review*, 16(3), 262-282.
- Beck, A. T., & Steer, R. A. (1987). Beck Depression Inventory Manual. San Antonio, Tx: Psychological Corporation/ Harcourt Brace Jovanovich.
- Belsky, J., & Pluess, M. (2009). Beyond diathesis stress: Differential susceptibility to environmental influences. *Psychological Bulletin*, 135(6), 885-908.
- Bentler, P.M., & Chou, C. (1987). Practical issues in structural modeling. *Sociological Methods and Research*, 16(1), 78-117.
- Besharat, M. A. (2010). Investigating the psychometric features of the Parental Bonding Instrument. Research report, University of Tehran. (Persian).
- Blatt, S. J., & Homann, E. (1992). Parent-child interaction in the etiology of dependent and self-critical depression. *Clinical Psychology Review*,
- هیجانی مثبت و منفی را افزایش می دهد به همین دلیل کودک حساس از محیط مناسب بیشتر سود می برد و در محیط نامناسب بیشتر آسیب می بیند. از آنجا که دلبستگی با بدتنظیمی هیجانی رابطه منفی دارد (Alaimo & Cascio, 2015)) سوگیری در تعبیر و ارزیابی منفی، آسیب پذیری نسبت به حساسیت پردازش حسی را تشدید می کند. از آنجا که اغلب نشانه های هیجانی افراد بسیار حساس مشابه برخی نشانه های اختلالات اوایل کودکی، خلقی، اضطرابی و شخصیت است، می تواند تشخیص و مداخله درمانی را منحرف کند. نتایج این پژوهش با تاکید بر تاثیر مستقیم و غیرمستقیم باورهای فراشناختی و طرحواره هیجانی بر حساسیت پردازش حسی می تواند تلویحات کاربردی برای بهبود وضعیت روانشناختی ارائه دهد. از جمله می توان با آموزش شیوه های صحیح فرزندپروری به والدین، مربیان و آموزگاران آگاهی آن ها را در شناسایی خلق و خوی کودک و برای برقراری ارتباط متناسب با خلق افزایش داد. تا ضمن برآوردن نیازهای اساسی کودک حساس از شکل گیری مشکلات روانشناختی پیشگیری شود و با ایجاد محیطی غنی و برنامه ریزی درست زمینه لازم برای رشد توانایی های کودک حساس فراهم آید. همچنین متخصصان می توانند با کمک گرفتن از فنون درمانی فراشناختی و طرحواره های هیجانی مداخلات درمانی موثرتری ارائه دهند و در مداخلات شغلی نیز با توجه به شاخص های حساسیت فردی برنامه ریزی کنند. از محدودیت هایی پژوهش این است که با جمعیت غیر بالینی شهر تهران انجام شد، بنابراین لازم است در تعمیم نتایج به نمونه های بالینی احتیاط شود. جمع آوری داده ها با استفاده از ابزارهای خودگزارشی از دیگر محدودیت های این پژوهش است. زیرا پاسخ شرکت کنندگان می تواند متأثر از خلق و سوگیری حافظه باشد. لذا پیشنهاد می شود جهت دستیابی به نیمرخ دقیق تر افراد حساس، پژوهش های آتی با نمونه های بالینی انجام شود؛ و به منظور کاهش سوگیری های پاسخ و افزایش قابلیت تعمیم نتایج برای جمع آوری اطلاعات علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه بالینی نیز استفاده شود.
- سپاسگزاری: از تمامی شرکت کنندگان در بخش میدانی پژوهش سپاسگزارم.

- Ersner-Hershfield, H., Gharemani, D., Aron, A., Aron, E. N., Lichty, W., Mazaika, P.K., & et al. (2007). Using voxel-based morphometry to compare brain anatomy of adult humans across levels of the normal temperament trait of sensory-processing sensitivity. Presented at The Society for Neuroscience, Washington, DC.
- Fisher, P. L., & Wells, A. (2008). Metacognitive therapy for obsessive-compulsive disorder: A case series. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 39(2), 117-132.
- Ghanbari, Z., Molaei Yasavoli, M., Molaei Yasavoli, H. & khajavi, D.(2019) The structural model to explain the quality of life students based on the combination of physical, social physique anxiety and mental health. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 4(78), 79-88. (In Persian).
- Gul Kapci, E., & Kucuker, S. (2006). The parental bonding instrument: Evaluation of its psychometric properties with Turkish university students. *Turkish Journal of Psychiatry*, 17(4), 1-10.
- John, O. P., Donahue, E. M., & Kentle, R. L. (1992). The "Big Five" Inventory—Versions 4a and 54 (Tech. Rep.). Berkeley, CA: *Institute of Personality Assessment and Research*.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.
- Jagiellowicz, J., Aron, A., & Aron, E. (2016). Relationship between the temperament trait of sensory processing sensitivity and emotional reactivity. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 44(2), 185-199.
- John, O. P., & Gross, J. J. (2004). Healthy and unhealthy emotion regulation: personality processes, individual differences, and life span development. *Journal of Personality*, 72(6), 1301-1334.
- Khazadeh, M., edrisi, F., Mohamadkhani, SH., & saedian, M. (2013). Assessment of factor structure and psychometric properties of emotional schemas scale in students. *Journal of Clinical Psychology*, 11(3), 92-119. (Persian).
- Lamborn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence 12(1), 47-91.
- Booth, C., Standage, H., & Fox, E. (2015). Sensory-processing sensitivity moderates the association between childhood experiences and adult life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 87, 24-29.
- Boterberg, S., & Warreyn, P. (2016). Making sense of it all: The impact of sensory processing sensitivity on daily functioning of children. *Personality and Individual Differences*, 92, 80-86.
- Boyce, W. T., & Ellis, B. J. (2005). Biological sensitivity to context: I. An evolutionary–developmental theory of the origins and functions of stress reactivity. *Development and Psychopathology*, 17(2), 271-301.
- Branjerdporn, G., Meredith, P., Strong, J., & Green, M. (2019). Sensory sensitivity and its relationship with adult attachment and parenting styles. *PLoS One*, 14(1), e0209555.
- Cartwright-Hatton, S., & Wells, A. (1997). Beliefs about worry and intrusion: The Metacognitions questionnaire. *Journal of Anxiety Disorders*, 11(3), 279-296.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663.
- Cooke, J. E., Kochendorfer, L. B., Stuart-Parrigon, K. L., Koehn, A. J., & Kerns, K. (2019). Parent–child attachment and children’s experience and regulation of emotion: A meta-analytic review. *American Psychological Association*, 19(6), 1103-1126.
- Dean, E. (2018). Sensory processing in the general population: adaptability, resiliency, and challenging behavior. *The American Journal of Occupational Therapy*, 72(1), 7201195060p1-7201195060p8.
- Dimaggio, G., & Lysaker, P. H. (2010). *Metacognition and severe adult mental disorders: from research to treatment*. Routledge/Taylor & Francis Group.
- Dragan, M., Dragan, W. L., Kononowicz, T., & Wells, A. (2012). On the relationship between temperament, metacognition, and anxiety: Independent and mediated effects. *Anxiety, Stress, and Coping*, 25(6), 697– 709.

- Nolen-Hoeksema, S. (2000). The role of rumination in depressive disorders and mixed anxiety/depressive symptoms. *Journal of Abnormal Psychology*, 109(3), 504-511.
- Ohad, S., & Simpson, A. (2019). Attachment within life history theory: An evolutionary perspective on individual differences in attachment. *Current Opinion in Psychology*, 25, 65-70.
- Parker, G., Tupling, H., & Brown, L. B. (1979). A parental bonding instrument. *British Journal of Medical Psychology*, 52, 1-10.
- Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Pedro, R. (2014). *Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry*, eleventh edition. The American Psychiatric Publishing Textbook of Psychiatry.
- Sadoughi Z, Aguilar-Vafaie M, Rassoulzadeh Tabatabaei S K. (2008). Factor analysis of the individual with highly sensitive processing scale: the association of sensory processing sensitivity. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(1), 85-89. (In Persian).
- Sadoughi, Z., Vafaie, M., & Rasoulzadeh Tabatabaei, K. (2007). The association of sensory-processing sensitivity with parenting styles and indices of psychopathology. *Advances in Cognitive Sciences*, 9(1), 23-32. (Persian).
- Shafiee, S., Rasooli, A., Shahgholian, M., & Dehghan, M. (2018). The role of worry, emotional schemas and brain-behavioral systems (BIS-BAS) in prediction of obsessive beliefs. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 3 (13): 24-7. (In Persian).
- Shirinzadeh Dastgiri, S., Goodarzi, M. A., Rahimi, C., & Naziri, G. (2009). Study of factor structure, validity and reliability of metacognition questionnaire-30. *Journal of psychology*, 4(12):445-461. (In Persian).
- Silberstein, L. R., Tirch, D., Leahy, R. L., & McGinn, L. (2012). Mindfulness, psychological flexibility and emotional schemas. *International Journal of Cognitive Therapy*, 5(4), 406-419.
- Smolewska, K. A., McCabe, S. B., & Woody, E.Z. (2006). A psychometric evaluation of the highly sensitive person: The components of sensory- and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62: 1049-1065.
- Leahy, R. L. (2002). A model of emotional schemas. *Cognitive and Behavioral Practice*, 9(3), 177-190.
- Leahy, R. L. (2010). Emotional schemas in treatment resistant anxiety, in sookman, D & Leahy, R. L. *Treatment resistant anxiety disorders: Resolving impasses to symptom remission*, (pp. 135-160). New York: Routledge.
- Leahy, R. L. (2011). Emotional schema therapy: a bridge over troubled waters. In J. Herbert & E. Forman. *Acceptance and mindfulness in cognitive behavior therapy*. In Books.
- Leahy, R. L. (2015). *Emotional schema therapy*. New York: Guilford.
- Leahy, R. L., Wupperman, P., Edwards, E., Shivaji, S & Molina, N. (2018). Metacognition and emotional schemas: effects on depression and anxiety. *International Journal of Cognitive Therapy*, November, 12(1), 25-37.
- Liss, M., Timmel, L., Baxley, K., & Killings worth, P. (2005). Sensory processing sensitivity and its relation to parental bonding, anxiety, and depression. *Personality and Individual differences*, 39(8), 1429-1439.
- Millon, T., Davis, R., & Millon, C. (1997). *Millon Clinical Multiaxial Inventory-III*. Manual (2nd ed.). Minneapolis: NCS, Inc.
- Mohammadkhani. Sh., Hasani, J., Akbari, m., & Yazdan Panah, N. (2020). Mediating role of emotion regulation in the relationship of metacognitive beliefs and attachment styles with risky behaviors in children of iran-iraq war veterans with psychiatric disorders. *Iranian Journal of Psychiatry & clinical Psychology*. 25(4), 396-411. (In Persian).
- Mohsenin, S., & Esfadani, M. R. (2014). Liserl. Tehran: Mehraban Book Publishing Institute. (Persian).
- Nachmias, F. C., & Nachmias, D. (1996). *Research methods in the social sciences*. Fifth edition, Arnold, London.

- Inventory. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Wells, A., & Cartwright-Hatton, S. (2004). A short form of the Metacognitions Questionnaire: properties of the MCQ-30. *Behaviour Research and Therapy*, 42(4), 385-396.
- Wells, A. (2009). *Metacognitive therapy for anxiety and depression*. New York, USA: Guilford Press.
- processing sensitivity and their relation to the BIS/BAS and “Big Five”. *Personality and Individual Differences*, 40(6), 1269–1279.
- Spada, M. M., Caselli, G., Manfredi, C., Rebecchi, D., Rovetto, F., Ruggiero, GM., Nikčević, AV., & Sassaroli, S. (2012). Parental overprotection and metacognitions as predictors of worry and anxiety. *Behavioral Cognitive Psychotherapy*, 38(5), 629-637.
- Spielberger, C. D., Gorsuch, R. L., Lushene, R. E. (1970). *Manual for the State-Trait Anxiety*